



توسعه حرفه ای معلمان با رویکرد درس پژوهی

حسن رحمان پور، صدیقه حاجبی، علی محمدجهان پور

کارشناس ارشد جغرافیا - دبیر آموزش و پرورش شهرستان رشتخوار

آموزگار آموزش و پرورش شهرستان رشتخوار

آموزگار آموزش و پرورش شهرستان رشتخوار

rhmanpor@yahoo.com

چکیده

در یک نگاه دقیق، آموزش و پرورش در کانون رشد فردی و اجتماعی قرار می گیرد. با این ویژگی محوری، هیچ نهاد دیگری به اندازه آموزش و پرورش با چالش اساسی و بنیادی روبه رو نبوده و نیست. امروزه نمی توان ضرورت، فوریت و نیز اعجاز آموزش و پرورش را برای آینده کم ارزش شمرد. بنیان همبستگی اجتماعی، پیشرفت همه جانبه جامعه، توسعه پایدار، تعالی انسانیت و صلح و دوستی، به آموزش و پرورش وابسته است. البته نیل به این اهداف، در گرو عوامل متعددی است. با نگاهی به نظام تربیتی و مطالعه عناصر و مؤلفه های گوناگون آن، خواهیم دید که شاخص ترین و ممتازترین مؤلفه آن، «معلم» است که بنیانی برای رویارویی با چالش ها و بحران های حال و آینده نظام آموزشی محسوب می شود. البته نگرش نظام مند ایجاب می کند که همه مؤلفه ها را مورد توجه قرار دهیم؛ لیکن با توجه به موضوع بحث، می توان نقش توسعه حرفه ای معلمان را برجسته تر دانست. لذا با چنین تأکیدی، آنچه فوریت دارد، تغییر نگاه نسبت به «نقش معلم» است - نقشی که به مراتب از نقش منتقل کننده مفاهیم و مطالب علمی به فراگیران، فراتر می رود. ازسویی توسعه حرفه ای معلمان یک ضرورتی است که روش های نوین تدریس و فناوری های جدید آموزشی رادراختیار معلمان قرار می دهد و در عصر پرشتاب تحولات امروزی، معلم باید در فرایند آموزش و تدریس به عنوان عامل اصلی ظاهر شود. بر این مبنا، وی باید از توان و شایستگی ایجاد، تقویت عزم، اهتمام، رغبت و انگیزه یادگیری در دانش آموزان برخوردار باشد. این مقاله، ضمن توجه به اهمیت آموزش و پرورش و جایگاه ممتاز معلم، به عواملی که به ایفای نقش هرچه مطلوب تر حرفه و تفکر معلمی و توسعه حرفه ای معلمان کمک می کند، پرداخته است.

کلیدواژه: معلم، آموزش و پرورش، توسعه حرفه ای، رویکرد، درس پژوهی.

مقدمه:

بیان مساله

معلمان از آن جهت کارگزار و عامل اصلی تعلیم و تربیت به شمار می آیند که اهداف اجرایی و نیز متعالی نظام آموزشی، در نهایت توسط ایشان محقق می شود و به منصف ظهور می رسد. در نتیجه، معلم به واسطه نقش برتری که دارد، باید به بازنمای تمام و کمال خصوصیات و کیفیت های مطلوب هر نظام آموزشی تبدیل شود. تعامل مستمر و چهره به چهره معلم و دانش آموزان به عنوان دو قطب اصلی نظام تربیتی، معلم را در موقعیت ممتاز و منحصر به فردی قرار می دهد که هیچ یک از دیگر عناصر نظام آموزشی از آن برخوردار نیستند. به همین سبب، ضعف و فتور وی می تواند موجب گسست این زنجیره و شکست در دستیابی به اهداف آموزشی و پرورشی شود. این نکته، یادآور بیان حکمت آمیزی است که می گوید: قوت یک زنجیر، چیزی بیش از قوت ضعیف ترین حلقه آن نیست، در نتیجه، باید از تبدیل شدن عناصر اجرایی و مهم ترین آن یعنی معلم به ضعیف ترین حلقه نظام تربیتی، به طور جدی جلوگیری کرد. برور در مقدمه ای که در سال ۱۹۷۷ بر کتاب مشهور خود فرایند تعلیم و تربیت نگاشت، بر اهمیت معلم به عنوان عنصر کلیدی در اجرای برنامه ها تأکید ورزید. وی می گوید: «یک برنامه درسی، بیش از آن که برای دانش آموزان طراحی شده باشد، باید برای معلمان طراحی شود. اگر یک برنامه درسی نتواند معلمان را تغییر دهد، تعادل آنها را بر هم بزند، بر آگاهی آنها بیفزاید و آنها را به حرکت درآورد، قطعاً هیچ گونه تأثیری بر کسانی که توسط آنها تعلیم داده می شوند، نخواهد داشت» (مهرمحمدی، ۱۳۷۴). حال اگر معلم را در کانون فرایند تحول آموزشی و پرورشی قرار دهیم، پرسش قابل طرح دیگر این است که چنین توجهی باید از چه زاویه و منظری باشد تا بتواند بر کیفیت، کفایت و کارایی معلم در نظام آموزشی بیفزاید. شاید این امر بیش از هر چیز مستلزم توجه و اعتبار بخشی به نقش حرفه ای معلم باشد. اصولاً حرفه ای تلقی کردن و کسب تخصص حرفه ای به وسیله دست اندر کاران آموزش و پرورش اساسی ترین راه تضمین کارایی و کیفیت نظام آموزشی است. (پرداختی، ۱۳۷۴)